

عبدالحسین نیک‌بکر:

«**خاطرات ریمون آرون**» ترکیب فلسفه و تاریخ ... است



عبدالحسین نیک‌بهر از ویژگی‌ویرایش تازه از کتاب «خاطرات ریمون آرون؛ پنجاه سال اندیشه سیاسی» گفت. این مترجم علوم انسانی در گفت‌وگو با ایبنا اظهار کرد: «آرون» یک مفسر سیاسی بود که سی‌سال در روزنامه

«فیگارو» هر روز یک سرمقاله می‌نوشت و ۱۰ سال در مجله «اکسپرس» هر هفته یک سرمقاله از او منتشر می‌شد. بنابراین، شخصیتی بسیار تأثیرگذار در عالم دیپلماسی داشت. کتاب خاطرات او درواقع ترکیبی از فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ، روزنامه‌نگاری، علوم سیاسی است و توانان به این مسائل توجه کرده است.

او درباره چاپ تازه این کتاب هم گفت: نشر هرمس واقعا برای چاپ پاکیزه این کتاب سنگ تمام گذاشت! ویراستار این نشر ۱۵ ماه روی این کتاب کار کرد و ۱۳۸۰ صفحه را در اردیبهشت سال گذشته برای من ارسال کرد و من نیز تمام بهار و تابستان و پاییز و زمستان گذشته تا ۱۴ فروردین امسال را روی این کتاب کار کردم و در نهایت نتیجه کار کتابی شد آراسته.

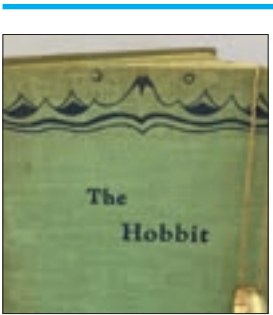
جشنواره ادبی «آواز ققنوس» فراخوان داد



فراخوان سومین جشنواره ادبی «آواز ققنوس» با موضوع «بازآفرینی افسانه‌های بومی ایران» برای کودکان و نوجوانان منتشر شد. به گزارش شهرآرا به نقل از اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، این

فراخوان با هدف تولید آثاری ارزشمند و خلاقانه برای کودکان و نوجوانان و آشنایی هرچه بیشتر همکاران اهل قلم‌کانون و نویسندگان کودک و نوجوان با افسانه‌های کهن ایران زمین، منتشر شده است. مخاطبان این جشنواره علاوه‌بر همکاران اهل قلم‌کانون، شامل همه‌نویسندگانی می‌شود‌که برای کودکان و نوجوانان اثر خلق می‌کنند (بالاتر ۱۸ سال). قالب آثار جشنواره سوم ققنوس، داستان کوتاه (حداکثر ۳ هزار واژه) و شعر (کلاسیک، نیمایی، سپید) تعیین شده است. مهلت ارسال آثار ۲۰ شهریور ۱۴۰۲ و زمان اعلام نتایج ۸ مهر ۱۴۰۲ (روز بزرگداشت مولانا) خواهد بود و شرکت‌کنندگان باید فایل آثار خود را به پست الکترونیکی Mehrvareh.adabi@kpf.ir ارسال کنند. دبیرخانه مهرواره «آواز ققنوس» در تهران، خیابان فاطمی، خیابان حجاب، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدیریت آفرینش‌های ادبی و هنری مستقر است. علاقه‌مندان در صورت نیاز به آگاهی بیشتر می‌توانند با شماره ۸۸۹۷۱۲۸۸ (داخلی ۱۰۵) تماس بگیرند.

کتابی کمیاب هزاران پوند فروش رفت



یک نسخه چاپ اول کتاب «هابیت» که در یک حراجی خیره‌پیداشده‌بود، هزاران پوند فروخته شد. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، این نسخه چاپ اول کتاب «هابیت» نوشته «جی آر. آر. تالکین» به تازگی به قیمت ۱۰۰۰۰ پوند به فروش رسید. نسخه کمیاب

یادشده‌که داستان شخصیتی به نام «بیلبو بگینز» را روایت می‌کند، در یک فروشگاه خبریه شهر «داندی» واقع در اسکاتلند به فروش رسید. با توجه به اینکه این فروشگاه فقط کالاهایی به قیمت ۵پوند یا کمتر را به فروش می‌گذازد، کتاب در تارنمای «ایبی» ارائه شد و در نهایت به قیمت ۱۰۰۹۹۵۰ پوند فروخته شد. این کتاب یکی از نخستین ۱،۵۰۰ نسخه از «هابیت» است که بلافاصله پس از انتشار در سال ۱۹۳۷ میلادی به دنبال نقدهای تحسین‌کننده به طور کامل فروخته شد. این نسخه‌های چاپ نخست «هابیت» تصویرگری‌های سیاه‌وسفیدی را شامل می‌شوند که خود «تالکین» خلق کرده است.

زین‌قدیپار

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته** ❌

به تعبیری می‌توان گفت که در حال حاضر بخش قابل توجهی از افکار عمومی متأثر از رسانه‌و آنچه «دهکده جهانی در عصر اطلاعات» خوانده‌می‌شود، است.

- وبراسته** ✅

می‌توان گفت امروزه بیشتر افکار عمومی از رسانه و به اصطلاح، «دهکده جهانی در عصر اطلاعات» تأثیر می‌پذیرد.

- نکته** 📌

باحایه جایی‌واژه‌ها را کان‌جمله، می‌توان از پیچیده‌منویسی پرهیز کرد و روان‌وساده نوشت.

#زین-قدیپارسی

چرا از گویش و لهجه مشهدی برای انتقال حرف‌های جدی استفاده نمی‌کنیم؟

نامهربانی با گویشی سرشار از واژه‌های ناب فارسی



عکسی از مردم مشهد در دوره قاجار که کتلت وکتور سی‌منوفه عباس، سیاح ومستشار روس، در سال ۱۲۷۶ خورشیدی گرفته است

آنجا که عماد خراسانی می‌شراید و محمدرضا شجریان می‌خواند: «برگه کار مو و تو دره بالا می‌گیره/ ذره‌ذره دره عشقت تو دلم جا می‌گیره// روز اول به خودم گفتم ایم مثل بقی/ حالا کم‌کم می‌بینم کار دره بالا می‌گیره.... یا آنجا که عباس آژانس شیشه‌ای از کوره درمی‌رود و می‌گوید: «مو توقعی نِداشتم، مو سر زمین بودم با تراکتور، جنگ هم که تموم شد برگشتم سر همو زمین بی تراکتور. آقا جان مو دفترچه بیمه هم نگرفتم..... شاید دو نمونه از رویارویی‌های جذاب عمومی با لهجه مشهدی رقم می‌خورد. این دو نقطه خاطره‌انگیز با گذشت زمان، همچنان در اذهان خوش‌نشسته است. خوش‌نشستن به این معنا که نمی‌توانیم مرزی و تفکیکی بین شعر عماد و صدای شجریان و لهجه مشهدی اثر و خواننده قائل شویم و همه آنچه وجود دارد در قالب یک بسته موسیقایی مقبول و مطلوب به گوش می‌رسد که نام دو هنرمند بزرگ پای آن خورده. یا به این معنا که بعد از شنیدن حرف‌های عباس، به جای اینکه ذهنمان معطوف به لهجه او شود، متوجه کلام او می‌شود، یعنی اتفاقی خلاف آنچه در برخورد با شخصیت‌های مشهدی در فیلم و سریال‌های متداول عمدتاً طنز رخ می‌دهد. در سال‌های گذشته، تلاش برای ارج نهادن به گویش و لهجه مشهدی بیشتر از گذشته نمود پیدا کرده است. رسانه‌های محلی علاقه خود را برای کار در این حوزه نشان داده‌اند و زبان‌شناسان و پژوهشگران نیز در این حوزه تحقیقات جالب توجهی کرده‌اند. اتفاقاتی که خوب بوده، اما آیا به قدر کفایت نیز بوده است؟ در روزگار کنونی و با شدت گرفتن عوامل مؤثری چون مهاجرت مردم شهرهای دیگر به مشهد، چه ادعایی می‌توان درباره حفظ گویش و لهجه مشهدی در سطح همین شهر داشت؟ هدف از بیان این صحبت‌ها، یادآوری اهمیت این میراث فرهنگی به عنوان یکی از عوامل هویتی و مطرح کردن دوباره آن از یک بعد دیگر است، اینکه آیا می‌توان حرف‌های جدی را نیز با گویش و لهجه مشهدی بیان کرد، به نحوی که حرف و پیام بر خود گویش و لهجه بچرید؟ آیا می‌توان به تولید محتوا در عرصه‌های مختلف با بهره‌گیری از گویش و لهجه مشهدی امیدوار بود؟ آیا می‌توان این گونه صحبت‌کردن را به گوش‌ها و اذهان آشنا تر از این کرد یا نه؟ آنچه در این مجال مطرح می‌شود، گریزی است مقدمه‌وار و در حد وسع، به جایگاه و پیشینه گویش و لهجه مشهدی و نقل قول‌های زبان‌شناسان و پژوهشگران این عرصه. در شماره‌های آینده دوباره به سراغ این موضوع خواهیم رفت.

- لهجه معیار فرادستی‌ها و فرودستی‌ها**

روزنامه نگاران در مطالعات میدانی متعدد خود درباره تمایل جوان‌ترها به استفاده از لهجه مشهدی در گفت‌وگوهای روزمره با مسئله‌ای روبه‌رو شده‌اند. اینکه بسیاری از جوان‌های مشهدی اذعان می‌کنند که عمدتاً در گپ‌وگنده‌های صمیمانه‌شان با دوستان که چاشنی اصلی آن شوخی و خنده است، از لهجه مشهدی خود رونمایی می‌کنند! علاوه بر این، همیشه دلایلی چون خجالت کشیدن یا بی‌کلاس تلقی شدن نیز ذکر شده است. اما بی‌کلاس بودن در مقایسه با چه چیزی؟ لهجه‌های فرادست دیگر؟ مهدوی در این باره می‌گوید: «لهجه مشهدی و همچنین بسیاری لهجه‌ها و گویش‌های دیگر نسبت به لهجه تهرانی با نسبت به گونه معیار، زبان فرودست یا به تعبیر خودمانی «بی‌کلاس» محسوب می‌شوند و به همین دلیل، به‌ویژه گویشوران جوان‌تر کمتر از آن استفاده می‌کنند. اما آن‌گونه معیار، چگونه در گذر زمان رخ نشان می‌دهد؟ برخی محققان، گونه معیار را که گویش‌های دیگر را تضعیف می‌کند، نمود و نتیجه قدرت‌نهادینه‌شده می‌دانند و از این‌رو معتقدند زبان معیار به گویشوران خود قدرت می‌دهد.

غلامرضا صدیق اورعی، جامعه‌شناس، نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا، درباره این پرسش که چرا مشهدی‌ها به لهجه خود صحبت نمی‌کنند، اظهار می‌کند: «این اتفاق نشانگر این است که افراد علاقه کمی به مشهد و مشهدی بودن دارند، درواقع ارزیابی بیشتر افراد از مشهدی بودن اندکی منفی است. بنابراین، خجالت می‌کشند که خود را مشهدی معرفی کنند. حس تعلق و تعهد به هویت مشهدی هیچ جایی در سیاست‌گذاری‌های حکومتی ندارد. البته حکومت‌ها معمولاً در امور اجتماعی دخالت نمی‌کنند، چراکه مهارت لازم در این‌باره ندارند و اگر در این زمینه تصمیم‌گیری‌های لازم نشود مشکلاتی رخ

خواهد داد همانند اینکه اگر سیل کنترل نشود تبعات بدی به‌همراه دارد.»

- تحصیل، یکی از عوامل تمایز**

در سال‌های گذشته تحقیقی با عنوان «بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار» را دکتر سید محمد حسینی معصوم و سیده نکتتم حسینی در مشهد صورت دادند. جالب است بدانید نتیجه این تحقیق مشخص کرد که تحصیلات عامل بسیار مهمی در تفاوت‌های زبانی در میان کاربران لهجه مشهدی است. به این صورت که افراد تحصیل کرده دقت بسیاری در استفاده از واژه‌ها دارند و بیشتر از گونه معیار استفاده می‌کنند، در حالی که فرایندهای واجی موجود در گفتار افراد در سطوح پایین‌تر، زبان آن‌ها را از گونه معیار متفاوت می‌سازد. به عبارت دیگر، افرادی که تحصیلات بالایی دارند در زبان گفتاری خود ویژگی‌هایی را نشان می‌دهند که ناشی از رویارویی درازمدت آن‌ها با زبان مکتوب است. هرچند طبق آنچه در جامعه‌شناسی زبان مطرح می‌شود، عوامل متعددی چون طبقه اجتماعی، جنسیت، سطح تحصیلات، گرایش‌های فرهنگی و...

می‌تواند بر ویژگی‌های زبان یک جامعه تأثیر بگذارد.

- لهجه‌ای با اصیل‌ترین واژه‌های فارسی**

همه این صحبت‌ها در حالی است که بسیاری از پژوهشگران عرصه زبان‌شناسی، در صحبت‌های خود و به‌عناو قدیمت‌واژگان مشهدی و گویش و لهجه مشهدی اذعان دارند. تقی وحیدیان کامیار، زبان‌شناس برجسته، که خودش نیز متولد مشهد است، در بخشی از مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۹۳ با همین رسانه انجام داد از این گفت‌که اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین کلمات فارسی را می‌توان در گویش مردم مشهد پیدا کرد. او به این نکته اشاره کرد که برخلاف تصور عامه که ریشه‌های زبان فارسی را از فارس و شیراز می‌دانند،

از لحاظ موضوع و مضمون نیز به انواع تاریخی، اجتماعی، دینی، صوفیانه، عرفانی، عاشقانه، اخلاقی، فلسفی تقسیم می‌شوند. «فرهنگ‌نامه داستان‌های متون فارسی» به‌رغم نخستن واژه «فرهنگ‌نامه» در نام آن، با کتاب‌های مرجع متعارفی چون دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغت یکسان نیست و درواقع گزارش و خلاصه‌ای از مجموعه باشکوه قصه‌های کهن فارسی و وجوه داستان‌شناختی و محتوایی فرهنگی است که از دل همان قصه‌ها استخراج و عرضه شده است. تنوع و گستره داستان‌های این مجلدات، بیانگر عظمت فرهنگ و ادبیات داستانی ایرانی در مقایسه با داشته‌های دیگر

چهارمین جلد از دوره هفت‌جلدی «فرهنگ‌نامه داستان‌های متون فارسی» منتشر شد. این مجموعه که به قلم حسن ذوالفقاری و محمد پارسانسب به نگارش درآمده، بناست خلاصه داستان‌های کلاسیک فارسی و اطلاعات داستانی آن را در شش جلد ارائه کند (جلد هفتم شامل نمایه اشخاص داستانی، بن‌مایه‌ها، مضامین، مکان‌ها، آداب و رسوم، آیین‌ها، باورها، فرق و مذاهب، بازی‌ها، اشیاء، خوراک و پوشاک و... است). در این مجلدات مفصل، گونه‌های متنوع روایی فارسی مانند داستان، حکایت، قصه، تمثیل، رمز، افسانه، اسطوره، مقامه و زیر مجموعه‌های آن‌ها دیده می‌شود. داستان‌ها

گنجینه قصه و داستان

مجلدی دیگر از «فرهنگ‌نامه

داستان‌های متون فارسی» به بازار آمد



فارسی دری اصیل از توس قدیم و نیشابور و مشهد کنونی انتشار یافته‌است. محسن رحیمی، زبان‌شناس و شاهنامه‌پژوه، هم در مصاحبه‌ای با شهرآرا گویش مشهدی را بازمانده زنده‌گویش توسی دانسته و معتقد بود: «تا دو سده پیش تفاوتی میان گویش توسی و لهجه مشهدی نبوده است، اما رفته‌رفته به دلایلی چند، گویش‌کهن‌توسی به فراموشی سپرده‌شده است، بلایی که اکنون لهجه مشهدی نیز اندک‌اندک بدان گرفتار آمده است.» سیدی نیز بر این باور است که گویش مشهدی یا فارسی مشهدی، فارسی اصیل دری و حتی گنجینه فرهنگ اصیل ایرانی است: «۸۰ درصد افسانه‌ها و اشعار حماسی و پهلوانی ایران فقط از شهر توس برخاسته است. در این گویش لغات اصیل فارسی موج می‌زند به طوری که اشعار کهن ما، برای خراسانی‌ها و مشهدی‌ها کاملاً فہم‌شدنی است.» او همچنین در کتاب «نفوس ارض اقدس یا مردم مشهد قدیم» که تصحیح آن را به عهده داشته است، درباره تغییرات رو به‌افول لهجه مشهدی بیان می‌کند: «در سال ۱۲۵۷ خورشیدی جمعیت مشهد ۵۷ هزار نفر بوده است. این عدد در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد و همین‌طور

به مرور افزایش می‌یابد. در این دوران ۹۰ درصد مردم شهر، مشهدی اصیل بوده‌اند و به لهجه مشهدی حرف می‌زدند، اما این رویه بعدها با توسعه شهر، مهاجرت روستاییان و مردم دیگر ولایات به آن و زائرپذیرشدن مشهد رو به افول می‌نهد.» حال با در نظر گرفتن عواملی چون همین مهاجریذیر بودن شهر مشهد، در آینده چه تعداد از مشهدی‌ها به این لهجه صحبت خواهند کرد؟

*نقل قول های محمد جواد مهدوی و مهدی سیدی و محسن رحیمی و تقی وحیدیان کامیار از گفت‌وگوهای ایشان با روزنامه شهرآرا در سال‌های مختلف آورده شده است.

جاهای جهان است. مؤلفان کوشیده‌اند ضمن حفظ داستان‌ها و تسریع و تسهیل دسترسی به آن‌ها، امکان مطالعات گوناگون برای هنرمندان و تولیدکنندگان و پژوهشگران ادبیات و حتی متخصصان دیگر رشته‌های علوم انسانی را فراهم کنند. کتاب می‌تواند دستمایه پژوهشی برای محققان حوزه‌های ادبی، هنری، داستان‌پژوهی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، مطالعات فرهنگی، ایران‌شناختی، گفتمان‌شناختی و هنرهای نمایشی باشد. چهارمین جلد «فرهنگ‌نامه داستان‌های متون فارسی» را نشر چشمه در ۹۷۵ صفحه به چاپ رسانده است.